

Journal Iranian Political Sociology
Vol. 4, No.4, Winter 2022

Background and purpose: Considering the effects of imprisonment for the offender, it is noted that the legislator, along with the policies of decriminalization and decriminalization today, each of them causes punishment in some way, imprisonment as one of the main punishments. It has been introduced to reduce the number of activists in the criminal system, to pay attention to the policy of de-incarceration in Iran's criminal policy. For this reason, Iran's criminal policy has paid special attention to this issue by approving the law on reducing penal servitude in 2019.

Method: Due to its nature, the present research is applied and descriptive-analytical, using library resources and documentary studies and referring to jurisprudential and legal sources, trying to explain the approach of de-imprisonment in Iran's criminal policy, in the light of the law on reducing penal incarceration.

Findings and results: The results of the research have shown that Iran's criminal policy, based on various bases including legal, criminological, and human rights, has started de-incarceration as a result of the passing of the law on reducing penal incarceration. He considered the result of the ineffectiveness of imprisonment in Iran's criminal system.

سیاست جنایی ایران با رویکرد حبس زدایی در پرتو قانون کاهش حبس تعزیری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۸

مهدی امیدی ارجنکی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۴

مسعود حیدری^۲محمود اشرفی^۳

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به آثار مجازات حبس متخلف، این نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که قانونگذار در کنار سیاست های جرم زدایی و جرم زدایی امروزه، هر یک به نوعی موجب مجازات می‌شود، حبس را به عنوان یکی از مجازات های اصلی معرفی کرده است از کنشگران نظام کیفری کاسته شود، سیاست حبس زدایی را مورد توجه سیاست جنایی ایران قرار دهد. به همین دلیل، سیاست جنایی ایران، با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ به این موضوع توجه خاصی نموده است.

روش: تحقیق حاضر به جهت ماهیت، کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی و رجوع به منابع فقهی و حقوقی در صدد تبیین رویکرد حبس زدایی سیاست جنایی ایران، در پرتو قانون کاهش حبس تعزیری است.

یافته و نتیجه: نتایج تحقیق نشان از آن داشته که، سیاست جنایی ایران، برابر مبانی مختلفی از جمله مبانی حقوقی، جرم شناختی و حقوق بشری، دست به حبس زدایی در نتیجه تصویب قانون کاهش حبس تعزیری زده است که این موضوع را می‌توان نتیجه عدم کارایی کیفر حبس در نظام کیفری ایران دانست.

کلمات کلیدی: حبس، حبس زدایی، سیاست جنایی، قانون کاهش حبس.

^۱دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

mahdi.omidi72@yahoo.com

^۲دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

masoud_heidari2@yahoo.com

^۳استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

mahmood.ashrafi@yahoo.com

از حدود دو قرن پیش به تدریج محرومیت از آزادی یا حبس به عنوان مجازات اولیه جایگزین تنبیه بدنی شد. امروزه مانند بسیاری از کشورها، مجازات اعدام در حقوق کیفری بین‌الملل به طور قانونی یا عملی لغو شده است و از سوی دیگر مجازات‌های مالی و مجازات‌های مربوط به حقوق اجتماعی در حقیقت ضامن اجرای اعدام‌های عادی در حقوق اداری است. مجازات اعدام در جرایم سنگین و تنها ضمانت اجرای اصلی حقوق جزا می باشد. تا آنجا که حبس به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر در سیستم های کیفری بسیاری از کشورها همچنان وجود دارد. اما با توسعه نظام کیفری، شاهد تغییراتی در رویکرد فلسفه حبس و نحوه اجرای بهتر آن نیز هستیم (بهنامی، ۱۳۹۱: ۳).

اعمال مجازات حبس در سطح فردی و آثار آن بر مجرم منجر به پذیرش فرهنگ زندان می شود. به عبارت دیگر، جو و شرایط زندان نه تنها کمکی به بازپروری محکوم و بازگرداندن او به جامعه نمی کند، بلکه موجب بی احترامی شدید و صدمات روحی و روانی نیز می شود و حتی ابتلا به بیماری هایی مانند ایدز نیز می تواند منجر به این بیماری شود. زندانی و پذیرش خرده فرهنگ ها در زندان این عوامل حبس نه تنها تاثیری در اصلاح و جرم زدایی از مجرم ندارد، بلکه ابزار جرم انگاری و پرورش مجرمان را نیز فراهم می کند. همچنین در سطح جامعه دنباله ای مفسده مانند افزایش نرخ تورم جمعیت مجرمانه و افزایش هزینه های دولت برای مبارزه با جرم و جنایت و رفع نیازهای بهداشتی و تغذیه ای خواهد داشت (بولک، ۱۳۹۹: ۹).

این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظریان پدید آمد سیاست جنایی ایران را بران داشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند. توجه به آثار ناگوار حبس و توجه به این نکته که قانونگذار با سیاست های کیفری زدایی و جرم زدایی هر کدام با قرار دادن حبس یکی از مجازات های اصلی امروز از نظام حقوقی اسلام فاصله گرفته است. نظام کیفری مشتریان باید به نحوی کاهش یابد، سیاست زندان مورد توجه قانونگذار ایران قرار گیرد. یکی از بارزترین مصادیق سیاست حبس زدایی سیاست جنایی ایران را می توان در تصویب قانون کاهش حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ دانست.

سیاست حبس زدایی در صورتی که مبتنی بر مبانی علمی و جرم شناختی نباشد ممکن است آثار سوئی به دنبال داشته و دفاع جامعه در قبال بزه و بزهکاران را با چالش مواجه کند. در قانون مجازات کاهش حبس مصوب ۱۳۹۹ نیز اگر این سیاست مبتنی بر مبانی علمی و جرم شناختی نباشد، آثار مختلفی از جمله تجری مجرمان و به مخاطره افتادن حقوق بزه دیده و جامعه را به دنبال خواهد داشت. تغییر سیاست تقریبی تسامح صفر در قبال مرتکبین جرائم متعدد و کسانی که مرتکب تکرار جرم می شوند و حذف مجازات شلاق از بزه توهین به اشخاص عادی از نکات مثبت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است. به علاوه پیش بینی

امکان تبدیل مجازات حبس تخفیف یافته به مجازات جایگزین حبس در مورد حبس‌های کوتاه مدت که آثار سوئی بر محکومین به حبس کوتاه مدت بر جای می‌گذارد نیز از نکات مثبت قانون اخیرالتصویب است. بر همین اساس سؤال اصلی این تحقیق پاسخ به این پرسش است که، سیاست جنایی ایران در رویکرد حبس زدایی خود در پرتو تصویب قانون کاهش حبس تعزیری، از چه مبانی پیروی نموده است؟

پیشینه تحقیق

در ارتباط با سوابق و پیشینه تحقیق می‌توان اذعان نمود برابر بررسی به عمل آمده اعم از پایان نامه‌های دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری و همچنین کتب و مقالات پژوهشی مشخص گردید در خصوص موضوع تحقیق تاکنون فعالیت پژوهشی جامعی با رویکرد انتقادی صورت نگرفته است و از این نظر موضوع مورد تحقیق تازگی و دارای نوآوری است. روستایی و رحمانیان، (۱۴۰۰)، در مقاله «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» در این تحقیق به این نتیجه دست یافتند که اثبات کننده فرسایش مرزهای حقوق کیفری و نزدیک شدن مفهوم شاکی به خواهان و به تبع آن شکوائیه به دادخواست است که در نتیجه تغییر دیدگاه قانونگذار به جایگاه بزه‌دیده در حقوق کیفری و تأثیرپذیری جرم کیفری از ضرر مدنی رخ داده است. حسینی نفر (۱۴۰۰)، در پژوهش «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ از منظر بازدارندگی» بیان داشت که، فلسفه ارباب، تخویف و بازدارندگی مجازات‌ها، با کاهش مجازات حبس از یک دیدگاه متزلزل شده و تقلیل و تبدیل بیش از حد متعارف مجازات‌ها، و عدم اجرای صحیح قوانین موجود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) می‌تواند از تأثیر این قانون در کاهش جمعیت کیفری و افزایش جرائم مؤثر واقع شود. نجفی زاده (۱۳۹۹)، در مقاله « رویکردها و چالش‌های قانون کاهش حبس تعزیری» گفتند که، هر چند قانونگذار، معیار خاصی را برای کاهش مجازات حبس دنبال نکرده است با این حال با کاهش حبس، گام مؤثری در کاهش اثرات مخرب حبس برداشته شده است. جزایری و افشاری (۱۳۹۹)، در مقاله «تحلیل کیفر شناختی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم انسانی: در تغییرات قانون جدید تعزیرات» به این مسئله تأکید داشتند که، در این قانون تعدادی جرائم، از غیرقابل گذشت بودن به قابل گذشت، تبدیل شده‌اند. مجازات قبلی برخی جرائم که حبس بوده است کاهش پیدا کرده و در اکثر موارد مجازات‌ها به نیم رسیده و حتی تا یک درجه کاهش داشته است. از طرفی بعضی از جرائم، نوع مجازات آنها کلاً تغییر پیدا کرده است، فرضاً حبس یا شلاق، تبدیل به جزای نقدی شده است. -لامی نژاد و امیری (۱۳۹۹)، در مقاله «نگرشی بر تخفیف مجازات در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سال ۱۳۹۹» گفتند، تخفیف مجازات یکی از ابزارها و راه‌های مؤثر سیاست‌های جنایی در اجرای اصل فردی کردن مجازات، اثر بخشی بیشتر و دستیابی به اهداف اصلاحی و درمانی کیفری حساب می‌شود. مجازات‌هایی که در نتیجه نقض قوانین اعمال می‌شود اهدافی به غیر از حفظ و صیانت جامعه را دنبال می‌کند. میزان تخفیف مجازات بر اساس درجه بندی مجازات‌ها مشخص، جهات مخففه محصور، تبدیل حبس به جزای نقدی ممنوع و اختیارات

قضات در میزان تخفیف محدود شده است. از سوی دیگر، تعداد جهات مخففه افزایش داده شده، دامنه تأثیر تخفیف توسعه پیدا کرده و جمع میان مقررات تخفیف و تشدید سازمان‌دهی شده است.

مفهوم حبس

حبس و حبس که یکی از معضلات نظام قضایی در دنیای امروز است، دولت‌ها را چه در امور مدنی و نظام کیفری و چه در حقوق عمومی و خصوصی با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. زندان کارکرد بازدارنده و اصلاحی ندارد و بخشهای مهمی از زندگی انسان از جمله نهاد خانواده را دچار بحران کرده است. البته اندیشه دینی به طور قطعی استفاده از حبس را منع نمی‌کند و شواهد و نصوص قانونی حاکی از جواز استفاده از زندان در موارد معدودی است. از سوی دیگر، زندان به عنوان راه حل متداول مورد استفاده شرع قرار نگرفته است، بلکه وجود بیش از چهارصد عناوین کیفری که قانونگذار آن را از یک سو حبس و حبس می‌داند و از سوی دیگر - دور. و آثار جبران‌ناپذیری که زندان بر فرد و خانواده و ساختار اجتماعی ایجاد می‌کند، از سوی دیگر آسیب‌ها و آثار غیرقابل وجود، تبیین جایگاه حبس در اسلام و بازنگری در قوانین مربوط را ایجاب می‌کند. حبس و لزوم تصویب مواد قانونی جدید.

لغت نامه امید می‌گوید: زندان در لغت به معنای زندان است. مکانی که در آن محکومین و مجرمان نگهداری می‌شوند (عمید، ۱۳۶۳: ۱۹۶).

در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها تعریف زندان چنین است: «زندان جایی است که محکومان معینی برای مدت معین یا به‌طور دائم به منظور اصلاح و مجازات در آنجا نگهداری می‌شوند» (آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ۱۳۸۴، ماده ۳).

تعریفی که قانون در مورد زندان داده است، تعریفی بود که به معنای واقعی کلمه زندان نیز با این نام و مفهوم تعریف شده است: «محل نگهداری مجرمان و اختصاص زندان مطلق به زندان کیفری، اکنون زندان تبدیل شده است. محل آموزش مجرمان». به همین دلیل گاه معادل عربی «حبس» آورده‌اند و «محبس» نیز در این دسته است و کلمه دوم را در فارسی به سیاه‌چال تعریف کرده‌اند، اما در عربی به معنای حبس کردن است و به آن زندان گفته می‌شود. و این یک موضوع مصنوعی است که در آن شخصی به دلیل ارتکاب جرم بازداشت می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۲۱۰۷).

و البته زندانی همان محبوس قانون در امور کیفری یا غیر کیفری (اهل سجون) است و در این زمینه کلمه سیجان (در قسمت اول) به معنای زندان کیفری است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱، ۲۱۴۵).

در جای دیگر مجازات حبس چنین تعریف شده است: «حبس از آزادی و تعیین سرنوشت برای مدت معین یا نامحدود و بنابراین در صورت عدم آزادی، مصادره نامیده می شود نه حبس» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۲۸).

منظور از سلول انفرادی این است که فرد محکوم به انفرادی تمام مدت محکومیت خود را در سلول انفرادی نگهداری می کند (صلاحی، ۱۳۹۶: ۲۶).

به زندان نیز می گویند زندان و به شخصی که در اینجا نگهداری می شود زندانی می گویند و به شخصی که وظیفه نگهداری و نگهداری زندانیان را بر عهده دارد نگهبان می گویند.

روش تحقیق

از آنجا که هدف این تحقیق مطالعه رویکرد حبس زدایی سیاست جنایی ایران در پرتو قانون کاهش حبس تعزیری است، لذا از روش تحقیق کیفی استفاده می شود. تحقیق کیفی مجموعه فعالیت هایی است که هر کدام به نحوی محقق را به کسب اطلاعات دست اول در باره موضوع مورد تحقیق یاری می دهند. همچنین تکنیک تحلیل داده ها، تکنیک تحلیل محتوای کیفی از نوع عرفی است. تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می دهد اصالت و حقیقت داده ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله های پیش پنداشته می پرهیزند و در عوض ترتیبی می دهند که مقوله ها از داده ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده ها شناور می کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود. جامعه پژوهش به مجموعه ای از اشخاص، اشیاء، مکان ها، رویدادها و به طور کلی اموری اطلاق می شود که در یک یا چند صفت یا ویژگی مشترک باشند. در این پژوهش برای جمع اوری اطلاعات از منابع مکتوب مرتبط با موضوع استفاده می شود. حجم نمونه در حد اشباع نظری است یعنی تا جایی ادامه می یابد که پاسخ سؤالات داده شود و نمونه گیری هدفمند است یعنی به منابعی مراجعه می شود که مرتبط با موضوع باشد. با توجه به کیفی بودن تحقیق نتایج هم بصورت متن ارائه می شود. تجزیه و تحلیل داده ها در تحقیق کیفی عبارتست از فرایند تدوین، تنظیم، شالوده ریزی و بیان مفهوم یا معنی انبوهی از داده های جمع اوری شده. تجزیه و تحلیل داده های تحقیق کیفی تلاشی است در راه ابراز نظر کلی در مورد یک موضوع.

یافته های تحقیق

پس از بیان مبانی نظری و روش تحقیق، لازم است به یافته‌های تحقیق پرداخته شود. همان طور که در طرح مسئله هم اشاره شد، این تحقیق به دنبال پاسخ به پرسشی بنیادی است، که در این قسمت به این پرسش پاسخ داده خواهد شد.

مبانی حقوقی حاکم بر حبس زدایی

حبس امروز دیگر کارایی ندارد و آثار زیانبار آن بیشتر از فواید و فواید آن است.

به همین دلیل جایگزین‌های مناسبی برای حبس در نظر گرفته شده است تا با جایگزین‌هایی بتوان آثار زیانبار حبس را از بین برد یا کاهش داد. این دلایل تا حدی به اهداف حبس تعمیم می‌یابد و نشان می‌دهد که حبس به اهداف مورد نظر خود یعنی اصلاح و درمان، ارعاب و محدودیت عمل نمی‌کند. برخی از این دلایل به نقش حبس و نحوه اعدام مربوط می‌شود (آشوری، ۱۳۸۲، ۷-۹).

۱- شکست حبس در تحقق اهداف مجازاتها

مجازات‌ها از اهدافی برخوردار می‌باشند و از جمله آنها که عبارتند از: ارعاب و عبرت‌انگیزی و پیشگیری از جرم به طور خاص و عام» و بازسازی مجدد مجرم در جامعه «اصلاح و درمان». مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده کند (اردبیلی، ۱۳۸۳، ۱۲۸).

در زیر دیدگاه مخالفان حبس را در دو بند مجزا در مورد عدم تحقق و عدم تحقق هر یک از اهداف فوق بیان خواهیم کرد.

الف- ناتوانی در پیشگیری از جرم

یکی از اهداف مجازات، ارعاب و بازدارندگی است. به جنبه‌های پیشگیرانه و سودمند مجازات اشاره دارد. این بدان معناست که مجازات چنان ترس و وحشت ایجاد می‌کند که در درجه اول متوجه خود مرتکب می‌شود و هدفش از بین بردن تمایل او به ارتکاب مجدد جرم و ثانیاً برای عموم مردم که از مجرم بالقوه هستند می‌باشد. ممکن است با تقلید از مجرم اصلی به ارتکاب جرم روی بیاورد. تعبیر جلوگیری از ارتکاب مجدد مرتکب به جرم را پیشگیری خاص و پیشگیری از ارتکاب جرم با تقلید از مجرم را پیشگیری عام می‌گویند (بولک، ۱۳۹۹، ۳۱).

بدون شک هرگونه راه حلی برای جلوگیری از وقوع جرم منطقی‌ترین رویکرد تلقی می‌شود. به طوری که برخی معتقدند دستیابی به یک سیاست مؤثر جرم با اولویت دادن به اقدامات پیشگیرانه مرتبط است (اردبیلی، ۱۴۰۲، ج ۳، ۳۴).

اصلی‌ترین طرق پیشگیری از جرم عبارت است از: استفاده از کیفرهایی که در ردیف اقدامات تأمینی - تربیتی قرار داشته، دسته خاص برخوردار با مجرم خطرناک و نهایتاً، اتخاذ طرقی خاص اجرای حبس.

دیدگاه پیشگیری از جرم با چشم پوشی از گذشته بزهکار و به جهت پیشگیری از تکرار جرم، فقط به آینده او نظر دارد. اتخاذ اقدامات امنیتی یا کسب راه حل درمان کننده نیز در این خصوص است. اتخاذ از این اقدامات در پیشگیری از بزه با نیت بیان گردیده از کیفر، منظور اصلاح و بازپروری متهم، بیگانه نیست، بلکه از طرق رسیدن به آن محسوب می‌شود. اختلاف در آن بوده که اگر این شیوه در خصوص بزهکاران خطرناک انجام گردد، برای دستیابی به هدف پیشگیری و اعمال آن در مورد متهمان عادی، چشم انداز شفا و بازپروری مجرم از مجازات را در نظر گرفته ایم. منشأ استفاده از این مکانیسم در حقوق کیفری، جایگزینی اصل کلاسیک تناسب بین مجازات و جرم، اصل زنده بودن مجرم است (پرادل، ۱۳۹۶: ۹۹).

به عقیده منتقدان این دیدگاه، بدون دفاع از افراد جامعه نمی‌توان به هدف اصلی مجازات یعنی دفاع از جامعه دست یافت. بنابراین دفاع واقعی از جامعه تنها با بازپروری مجرم، اتخاذ تدابیر برای ادغام مجدد آنها در گروه غیر مجرمانه و از بین بردن دلایل و دلایل جرم محقق می‌شود (صانعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ۷۶).

ب. پیشگیری و مواجهه با موقعیت خطرناک: اتخاذ تدابیر حفاظتی - تربیتی برای دسته خاصی از مجرمان اولین بار توسط لامبرزو، آنکریکوفری و گاروفالو پیشنهاد شد. دو جرم شناس اول، مبنای مکتب واقع‌گرا در حقوق جزا، یعنی عدم آزادی اراده مجرم را پذیرفتند و گفتند که آموزه اخلاقی این مکتب جنایی باید از نظر اجتماعی تغییر یابد تا ناکارآمدی آن در جرم زدایی جبران شود. مسئولیت، سپس دفاع از جامعه و پاسخ آن به مجرم، بر اساس وضعیت خطرناک فرد است که گاروفالو آن را استعداد مجرمانه می‌نامد (پرادل، ۱۳۹۶، ۹۵).

دفاع اجتماعی خواسته است که برخی از افراد مکلف و ناگزیر از ارتکاب جرایم از جامعه دور نگه داشته شوند تا آسیبی به جامعه وارد نشود، اما از آنجایی که هدف کلی نظام کیفری پیشگیری از بزهکاری است، لازم است در این زمینه اقدام شود. این راه‌ها بر این اساس و علل متخلف برای استفاده کامل خفه یا مهار می‌شود. به این موارد اقدامات امنیتی یا اقدامات احتیاطی گفته می‌شود. اقدامات فوق مجازات نیست، قبل از ارتکاب جرم و زمانی که وضعیت خطرناکی در فرد احساس می‌شود انجام می‌شود و هدف آن حمایت و حمایت از جامعه در برابر مجرمان اجتماعی است (صانعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ۷۶-۷۷).

این دلیل بازدارنده برای همه یکسان نیست، بلکه معادل اصل شخصی سازی مجازات بر اساس طبقه مجرمان است. از این منظر، مجرمان طبیعی باید با اعدام و تبعید به نقاط دوردست به کلی از جامعه حذف شوند. این جور کارها در مورد معتادان نیز انجام شده است، همانطور که متهمان ردیف اول نه با یک بار ارتکاب جرم، بلکه پس از چندین بار تکرار جرم انجام می‌دهند. در مورد مجرمان تصادفی، با فرض اینکه جرم ساده و پیش پا افتاده باشد، آزاد می‌شوند، زیرا هدف اصلی جلوگیری از تبدیل شدن آنها به مجرمان وابسته از طریق تماس و معاشرت با سایر طبقات مجرم است. الف در یک موقعیت کشاورزی و به دور از مجرمان دیگر نگهداری می‌شوند و بلافاصله پس از اطلاع از گذراندن وضعیت خطرناک آزاد می‌شوند و

در نهایت در مورد مجرمان عاطفی، از این نظر مجرم نیستند، بلکه فقط مجازات‌هایی هستند که تبدیل به مجازات می‌شوند. بازیچه شرایط نامساعد و ماهیت آتشین آنها، معنایی ندارد و فقط می‌توان آنها را مجبور به تغییر محل زندگی کرد (صانعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ۷۶-۷۷).

فون لیست در حین اجرای حکم، هرگونه توجیه غیرعملی را رد می‌کند و سعی می‌کند دلایل دیگری مانند انگیزه‌های انتقام‌جویی را جایگزین علاقه و ضرورت اجتماعی کند. بیان زیر تا حدودی دیدگاه او را نشان می‌دهد، جوهره حقوق، دفاع از منافع انسان است و معنای هدف به عنوان نیروی تولیدی آن شناخته می‌شود. بر این اساس، جان افراد، نه نظام حقوقی، تعیین‌کننده است؛ البته دفاع از حقوق از یک منفعت حیاتی منفعت قانونی ایجاد می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۲، ج ۳، ۱۰۵).

مشاهده می‌گردد که فون لیست، حیات و منافع انسانی را محور اندیشه خویش قرار داده است. این گونه دیدگاهی با پراگماتیسم کیفری که جهت‌گیری آن سودمندی و فایده‌گرایی است برابر می‌باشد. پرنس^۱ نیز بر اساس همین دیدگاه پراگماتیستی و فایده‌گرایی به مجازات، جهت جامعه در هر شرطی، خواه آنگاه که بزه‌کار به حق مجازات معتقد است، خواه متأثر از علل و واقعیت‌های بیرونی باشد یا نه. در مورد دسته دوم، باید احتیاط کرد... اگر غریزه گروهی از مردم آنها را به مبارزه با جامعه برانگیزد، هیچ چیز نمی‌تواند مانع از آن شود که جامعه دفاع از دستاوردهای ارزشمند خود را وظیفه خود بداند (اردبیلی، ۱۴۰۲، ج ۳، ۱۰۷).

ج. پیشگیری و اجرای کیفر: اتخاذ اقدامات مخصوص در بهره‌گیری از مجازات، از دیگر طرق پیشگیری از ارتکاب جرم محسوب شده و شیوه کلی آن، برانگیختن نیروی اندیشه بزه‌کار و دیگران در گریز از این اجراست. علاوه بر روش کلی پیش گفته می‌توان به موارد زیر نیز در این زمینه اشاره کرد: حبس به مدت نامحدود، توأم با مجازات حبس تعزیری با مجازات‌های دیگر، مقابله سنگین با حبس کوتاه مدت و دوستی‌های افراطی، اعدام و تمدید. حکم مفتوح استفاده از شیوه‌های جدید اجرای قاضی و محدودیت ثابت و از قبل موجود با روش‌های قانونی تعیین شده، آزادی مشروط، تعویق مجازات و قدرت‌ها

۱. اجرای صریح مجازات: در حقوق جزا، دیدگاه اجرای علنی مجازات مانند برخی از مجازات‌های شرعی پذیرفته شده است. در این باره یکی از علمای حقوق می‌گوید: هم در تشکیلات کسانی که در آینده به دام جنایت می‌افتند و هم در سازمان مجرم برای جلوگیری از او مرعوب و مرعوب و ایجاد ترس نکنید. از سر خوردن دوباره اجرای حکم مستلزم آن است که در محیطی پر از رعب و وحشت نمایش داده شود و حضور افراد در محل اجرای مجازات از دیرباز در اجرای احکام مورد توجه قرار گرفته است (اردبیلی، ۱۴۰۲، ج ۳، ۳۹).

1- Prince

سزار بکاریا، یکی دیگر از متفکران حقوق جزا، معتقد است که این روش در جرایم صغیر مؤثر و در جرایم بزرگ ناکارآمد است و می نویسد که اجرای آشکار مجازات در جرایم بزرگ برای اکثر افراد ناآشنا خواهد بود و از آنها انتظار می رود که چنین چیزی را متصور نباشند. سرنوشت، اما مجازات برای جرایم کمتری که برای خود آنها آشناست باید آشکار باشد. به قول بکاریا، «آینده خارجی» که تنها دلیل عدم اعمال مجازات آشکار در جرایم بزرگ است، چندان قانع کننده به نظر نمی رسد، اما شاید بتوان گفت: کاربرد روش مذکور در مجازات. این گونه جرایم از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که اسلام در مجازات های شرعی نیز از همین رویکرد پیروی کرده است (بکاریا، ۱۳۹۹، ۸۵).

۲. حتمیت و گریزناپذیری کیفر: درباره قانونی بودن اعطای یا سلب اختیار به قاضی دو دیدگاه وجود دارد. برخی که از دستیابی به اهدافی چون اصلاح و تربیت، پیشگیری از جرائم صحبت می کنند این امر را جایز اما ضروری می دانند و آزادی مشروط، تعویق مجازات، اقدامات حمایتی- تربیتی و اقداماتی از این دست را از سازوکارهای اجرا شده توسط قانونگذار می دانند. این منطقه بسته است از سوی دیگر، بسیاری از مردم، گسترش اختیارات قاضی در تأمین حقوق و آزادی های فردی را خطرناک می دانند و دلیل این مقوله، محوری بودن قانون و نیاز مبرم به رعایت حدود قانونی است. سزار بکاریا همچنین بر دیدگاه دوم در صورت تسامح بودن قانون تأکید کرد و آن را برای رسیدن به هدف سودمندی و نقش پیشگیرانه مجازات ضروری می داند: دقت یک حکم، حتی اگر متوسط باشد، همیشه تأثیر بیشتری دارد. مؤثرتر از ترس از عذاب سخت است که امید رهایی می دهد. زیرا وقتی نمی توان از مجازات فرار کرد، در حالی که کوچکترین درد روح را دیوانه می کند، امید... به تدریج فکر غیر قابل تحمل ترین درد از ذهن محو می شود. به خصوص زمانی که مصونیت از مجازات وضعیت را بدتر می کند. (بکاریا، ۱۳۹۹، ۸۳).

۳. تسریع در اجرای مجازات: سودمندی این شتاب از آن جهت بوده که با کوتاه گشتن وقت بزهکاری و کیفر، گردهم آمدن الفاظ و مفاهیم بزه و مجازات را در ذهن و جان بزهکار نیرومندتر می نماید، تا جایی که با یادآوری مجرم و تصمیم احتمالی او برای تحقق آن، مجازات ناخودآگاه جلوی چشم او قرار می گیرد. به نظر می رسد در این مورد حداقل به مبانی پیشگیری از جرم رسیده ایم. سزار بکاریا در این باره اظهار داشت: اگر بخواهیم تعادلی در اذهان خشن اقشار فرودست پیدا کنیم، نقش اغواکننده دستاوردهای جرم در رابطه با معنای مجازات، تناسب مجازات تعیین کننده است. پس از جنایت اعدام شد. فاصله زمانی بین این دو نتیجه ای جز گسستن دو اندیشه بیان شده نخواهد داشت (بکاریا، ۱۳۹۹، ۸۷).

لازم به ذکر است که اگرچه تسریع در حکم نتیجه بیان شده را داشته است، اما همیشه اینطور نیست؛ در برخی موارد، دادن فرصت به مجرم برای تأمل در رفتار خود، راه بازگشت او را از انحراف هموار می کند. در سیاست کیفری اسلام، در سایر جرایم، به جز جرایم عمومی که تأخیر در اعدام معتبر نیست، دلیلی برای تأخیر مجازات وجود دارد. آمارها نشان می دهد که این حکم در رسیدن به این هدف موفق نبوده و بار

دیگر شاهد آن هستیم که جامعه از ارتکاب جرم دست برنداشته است، در عین حال بخشی از زندانیان را تکرار کنندگان مجرم تشکیل می دهند و این تعداد هر روز در حال افزایش است. برای مثال آمار زندانیان در سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ از ۹۱۲۴۳ به ۱۵۱۰۶۲ نفر افزایش داشته است. این‌ها بیانگر این است که مجازات حبس در کاهش آمار جرائم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم تأثیری ندارد. بنابراین مجازات حبس، امنیت قضایی را تامین نمی کند و باعث بی اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی می شود. برخی بر این باورند که علت شکست نقش بازدارندگی آن این است که «جرم ناشی از عواملی مانند فقر، بیکاری، بی سوادگی، مهاجرت و ... است که بدون آن، تا زمانی که علل وجود داشته باشد، حبس نقش و تأثیری نخواهد داشت و زمینه های پردازش اگر جرم در جامعه وجود داشته باشد، حبس مانع از وقوع جرم نمی شود» (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۱۰).

بنابراین فقر، بیکاری، مهاجرت و ... از دلایلی است که حبس در پیشگیری از وقوع جرم ناکام است. اگرچه نمی توان نقش این عوامل را نادیده گرفت، اما می توان نتیجه گرفت که بخش عمده ای از علت اصلی این امر، جرم و جنایت است. جمعیت کیفری در زندان ها همچنان از مجرمان تکراری هستند و به نظر می رسد با توجه به معایب و ایراداتی که در وجود مجازات حبس و اجرای آن وجود دارد، بنابراین با توجه به داده های آماری، زمانی که حبس برای مقصود مجازات مناسب نیست و اجرای آن مناسب است. سودمند نیست، باید به سیاست ها و برنامه های جایگزین متوسل شد.

ب- شکست برنامه های اصلاح و درمان

برای توجیه این امر به نظر می رسد اصلاح و ادغام مجدد در فضای بسته و تحت فشار کارایی لازم را ندارد و اثر بازپروری حبس صرف نظر از ماهیت آن کمتر از اصلاح و ادغام مجدد در جامعه است.

قبل از اینکه به توضیح کامل عوامل شکست برنامه اصلاح و درمان بپردازیم، خاطر نشان می شود که برخی از این عوامل نظیر تراکم جمعیت زندان، کمبود فضای مناسب گویای همان جمله ای است که در ابتدا مورد اشاره قرار گرفت و آن اینکه این دلایل به نوعی به مشکل دلایل از نوع اول دامن می زنند و کیفر حبس نتوانسته هدف خود یعنی اصلاح و درمان را برآورده کند. از جمله عواملی که در شکست برنامه اصلاحی و درمانی مجرمان در زندان تأثیر بسزایی دارد و یا حوزه های اصلاحی و درمانی را با مشکل مواجه می کند، تراکم جمعیت زندانیان و نبود فضاهای مناسب برای اسکان است. زندانیان زمانی که برنامه های اصلاحی به دلیل جمعیت زیاد به نتیجه نمی رسد، متهمان و محکومان دارای سابقه کیفری و محکومان فاقد سابقه کیفری مجبور به زندگی مشترک و در نتیجه برنامه ریزی برای فعالیت های مجرمانه در آینده می شوند (گلدوزیان، ۱۴۰۱، ۳۶۲).

بنابراین عامل تراکم جمعیت یکی از عواملی است که بازپروری، بازپروری و درمان مجرمان را با مشکل مواجه می کند. در حالی که طبق استانداردهای جهانی برای هر زندانی باید یک نگهبان وجود داشته باشد،

در کشور ما به ازای هر ۱۴۰ زندانی یک نگهبان، به ازای هر ۹۰ زندانی یک کارگر و به ازای هر ۱۱۴۵ زندانی یک کارگر در زندان ها وجود دارد. این باعث می شود که برنامه اصلاح و درمان با شکست مواجه شود. چهارم: پذیرش حبس به عنوان مجازات اصلی جرایم در قوانین جزایی. یکی از بزرگترین مشکلات ایران شلوغی زندان ها است. این اصل که مجازات حبس برای کلیه جرایم و کلیه شرایط و ضوابط در نظر گرفته شده است در قوانین و مقررات مختلف آمده است. به عنوان مثال به نظر می رسد در بسیاری از موارد قانون مجازات و بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی حذف عنوان جرم از عمل ارتكابی یا رد حبس را به عنوان مجازات اصلی الزامی می کند. . از این رو مهم ترین عیب مجازات زندان، افزایش خطر تکرار جرم است.

۲- جرم زا بودن محیط زندان

مخالفتان حبس بر این باورند که زندان به محیطی جرم آفرین و جرم زا تبدیل شده است. دلایل زیر به نظر می رسد که محیط زندان را مجرمانه نشان می دهد و عبارتند از:

اول: زندان محل مناسبی برای تهیه و انتقال متون کیفری در زمانی است که زندانیان در یک مکان با یکدیگر در ارتباط هستند، یعنی پدیده فرهنگ پذیری از زندان مورد توجه قرار می گیرد (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۱۲).

این در درجه اول برای خود زندانی است، زیرا محکومی که به دلیل جرم جزئی زندانی می شود ممکن است به دلیل تماس با مجرمان حرفه ای در زندان تبدیل به یک مجرم حرفه ای شود. به همین دلیل برخی بر این باورند که «حبس، کیفیت جرایم را بهبود می بخشد، زیرا با افزایش تمرکز زندانیان، میزان یادگیری ترندها و فریب های مجرمان افزایش می یابد». ثانیاً: نسبت به سایر افراد جامعه، چون زندانی با آزادی، فرهنگ و متون جنایی خود را به سایر افراد جامعه منتقل می کند، پدیده ای به نام «فرهنگ پذیری در زندان» که می تواند افراد عام جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال و در بسیاری از افراد، گرایش به ارتكاب جرم ناشی از الگوپذیری و فرهنگ پذیری زندانی است، بنابراین در جرم شناسی معاصر نظریه ای به نام «فرهنگ پذیری در زندان» مطرح شده است که پیشنهاد می کند انواع فرهنگ زندان بر شخصیت و رفتار - اخلاق در مدت اقامت زندانیان در زندان تأثیر می گذارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۳۷۶).

دوم: زندان ها محل مناسبی برای خشونت و ستیزه جویی هستند. این خشونت و ستیزه جویی ممکن است از رفتار زندانیان نسبت به یکدیگر مانند «دعوا - فحش دادن...» و یا از رفتار مسئولین زندان با زندانیان شرایط و مشکلات بهداشتی در زندان ناشی شود. (کفاشی و اسلامی، ۱۳۸۸، ۵۸).

ثالثاً: عدم کنترل دقیق برای ورود و خروج مواد مخدر به زندان. روابط جنسی زندانیان با یکدیگر و در نهایت عدم رضایت فردی آنها از محیطی که در آن زندگی می کنند زندانها را به محیطی جرم پرور تبدیل کرده است. به عنوان مثال حبس چون که مانعی بر سر راه ارضای غریزه جنسی می باشد موجبات بروز

انحرافات جنسی را فراهم می‌کنند که بیانگر مجرمانه و مجرم پرور بودن محیط حبس می‌باشد (کفاشی و اسلامی، ۱۳۸۸، ۵۸).

در برخی از مجازات‌های جایگزین که به عنوان مجازات‌های تبدیلی معروف هستند مجازات زندان به طور کامل حذف می‌شود و فرد به جای رفتن به زندان یا جریمه نقدی می‌پردازد یا آن که در اجتماع به انجام خدمات اجتماعی می‌پردازد که در این صورت در محیط بسته زندان در معرض یادگیری و تقلید قرار نخواهند گرفت.

مبانی اقتصادی حاکم بر حبس زدایی

در این قسمت به بررسی و معرفی مبانی اقتصادی حاکم بر تصویب قانون کاهش حبس تعزیری پرداخته خواهد شد. مهم‌ترین این مبانی عبارتند از:

۱- مخارج سنگین اقتصادی-مالی

حبس آثار زیانبار اقتصادی دارد و حبس دو اثر اقتصادی دارد. اولاً تأثیر مستقیم آن، ضرورت ساخت زندان های جدید به دلیل تراکم جمعیت، هزینه های نگهداری زندان های قدیمی از قبیل نگهداری، خوراک و پوشاک زندانیان، هزینه های درمان و سلامت مجرمین و زندانبانان و خود محیط زندان، حقوق و دستمزد. هزینه های کارکنان زندان، مددکاران اجتماعی... چنین هزینه هایی بر عهده دولت است. برای مثال هزینه سرانه واقعی نگهداری هر زندانی در روز حدود ۱۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۸۷ بوده این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۴۰۰۰۰۰ ریال رسیده است که سالانه مبلغ هنگفتی را بر جامعه تحمیل می‌کند (بیگی، ۱۴۰۰: ۵۲).

دوم اثر غیرمستقیم رکود اقتصادی با زندانی شدن تعداد زیادی از افراد جامعه است، یعنی زندان نه تنها باعث بیکار شدن اعضای فعال جامعه می‌شود، بلکه فرد را نیز از دست می‌دهد. در نتیجه این عامل، موقعیت شغلی قبلی به دلایلی رها می‌شود و باعث می‌شود که فرد آزاد شده دوباره مرتکب جرم شود. از نظر اقتصادی این موضوع بسیار مهم است. یعنی نبود حتی یک نفر که بتواند در چرخه اقتصادی کشور تاثیرگذار باشد. طبیعی است در زندان های این استان برخی افراد تاثیرگذار در چرخه اقتصادی کشور وجود دارند که یکی از دغدغه های اصلی مردان محکوم به زندان است که آینده شغلی آنان پس از آزادی چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد و چه اتفاقی خواهد افتاد شاید در این بین پرهزینه‌ترین توان را کارمندان دولت پرداخت می‌کنند این مسئله را حتی در جرم اختلاس و حتی در مرحله اتهامی پس از آزادی از بازداشت موقت می‌بینیم «... همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند و به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچگونه حقوق و مزایای تعلق نخواهد گرفت. فرهنگ حاکم در جامعه این است که به فردی که در زندان است، فردی که تازه از زندان آزاد شده است، حتی اگر دارای صلاحیت بالایی باشد، اعتماد ندارند. دوم اینکه

دقت کمتری در استخدام افراد وجود دارد. این عوامل باعث نگرانی و نگرانی از وضعیت شغلی آنها در زندان ها و زندانیان می شود که به نوبه خود بر وضعیت اقتصادی خانواده و چشم انداز آینده آنها تأثیر می گذارد. بر اساس قانون حتی در مرحله استیضاح، مدیرعامل و وزیر سازمان می توانند فرد را عزل و از پرداخت حقوق و مزایای کارمند خودداری کنند که این امر موجب آسیب جدی به خانواده وی می شود، طبیعی است که این قاعده به محکومین به زندان اعمال می شود. (مداح و خیرخواه، ۱۳۸۹، ۱۰۹-۱۱۰).

همه این عوامل باعث نگرانی و نگرانی در مورد وضعیت شغلی و آینده آنها در زندان ها و بازداشت شدگان شده است. کسانی که همسر شاغل یا مجرد دارند اضطراب و اضطراب کمتری دارند و این فشار روحی و روانی زیاد به آنها وارد نمی شود و یا تحت فشار روحی کمتری قرار می گیرند.

۲- کاهش سطح رفاه و وضعیت اقتصادی خانواده‌های زندانی

همه پیامدهای زندان به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم بر خانواده زندانی تأثیر می گذارند. در خرده نظام اقتصادی این تأثیرها عبارتند از تحمیل فقر و کاهش درآمد خانواده و مشکلات شغلی برای زندانی پس از آزادی و نیز برای اعضای خانواده که از اساس تأثیرهای پر دامنه و اغلب حادی ارزیابی می شوند.

همچنین، در دوران حبس زندانی، خانواده او نه تنها نان آور خود را از دست می دهند، بلکه به دلیل فقدان تغذیه و امکانات درمانی و بهداشتی زندان‌ها اغلب خانواده‌های زندانیان ناگزیر از پرداخت ماهانه‌ای برای مخارج زندانی هستند که برای خانواده هزینه‌ای سنگین است. از آنجاکه بیشتر زندانیان وابسته به طبقه ضعیف هستند، بار مالی زندانی بر دوش خانواده‌ها بسیار سنگینی می کند. برخلاف آیین نامه سازمان زندان‌ها که هر زندانی از لحظه ورود به زندان بیمه محسوب می شود، از چند سال پیش در زندان‌ها طی دستورالعملی هزینه‌های دندانپزشکی که یکی از رایج‌ترین مشکلات زندانیان و معلول مشکلات عصبی و تغذیه و مواد غذایی زندان و... است و نیز هزینه بسیاری از داروها بر عهده زندانی است. در خرده نظام جامعه‌ای، خانواده از آنجا که یک پایه اصلی است، به طور مستقیم از شرایط ناشی از زندانی شدن عضو خود تأثیر می پذیرد و بخشی از این تأثیر پذیری را نیز خواه و ناخواه به جامعه منتقل می سازد. در خرده نظام فرهنگی نیز زندانی شدن بر روند آموزش رسمی (مانند افت تحصیلی اعضای خانواده) و آموزش‌های غیررسمی (مانند فراگیری هنجارها و درونی کردن آنها) تأثیر منفی دارد و موجب هدر رفتن سرمایه گذاری‌های آموزشی می شود. خانواده به عنوان اولین آموزشگاه بشری، نخست بیشترین تأثیر را بر چگونگی شخصیت روانی اجتماعی و فرهنگی فرزندان دارد و دوم به صورت غیر مستقیم جامعه را از نوع روابط و فرهنگ خود متأثر می کند.

مبانی جرم شناختی حاکم بر حبس زدایی

در کنار مبانی اقتصادی قانون کاهش حبس، در این قسمت لازم است مبانی جرم شناختی حاکم بر قانون کاهش حبس پرداخته خواهد شد.

۱- تحولات کیفری و گسترش حبس

مدارس جزایی ضمن افزایش تقاضا برای حبس، تغییرات اساسی در نحوه اجرای احکام حبس ایجاد می کنند تا زمینه اصلاح و رفتار با محکومان را مساعدتر کرده و آنها را مجدداً وارد جامعه کنند و در برخی موارد مجازات جایگزین را در نظر بگیرند. به دلیل غیرضروری بودن حکم زندان مطالبه می شود. نگرش مدارس جنایی نسبت به افزایش استفاده از حبس و حتی غیرقانونی بودن آن را به اختصار بررسی خواهیم کرد.

۱- مکتب کلاسیک: بنیانگذاران این مکتب بکارها، بتام و روسو هستند. بکارها با انتشار کتاب جنایات و مکافات در سال ۱۷۶۴ از اعمال خودسرانه و بی قید و شرط در قوانین جزایی با تابع ساختن قوانین جزایی به اصول و قواعد و مشمول اصل قانونی بودن قانون کیفری جلوگیری کرد. این مدرسه برای اجرای حکم بسیار مهم است و معتقد است که سیستم زندان باید مجرم را همانطور که مجازات را تحمل می کند آموزش دهد. آنها از زندان به عنوان مجازات اصلی خود استفاده می کردند و تنها نگرانی آنها این بود که بهتر و موثرتر اجرا شود (نعیمی، ۱۳۸۲، ۸۵).

۲- مکتب نئوکلاسیک: در آثار برخی از نویسندگان این مکتب راهکارهایی برای مصون ماندن از آثار زیانبار حبس وجود دارد. یکی از اندیشه های محترم این مکتب، اصل فردی شدن مجازات است. در مورد جایگزینی مجازات به جای مجازات حبس رسمی، از جزای نقدی یا جزای نقدی صحبت کرد که به نظر او حداقل برای جرایم جزئی جایگزین مناسبی است. آنها به نقش تربیتی حبس کوتاه مدت اعتقادی نداشتند و به همین دلیل جایگزینی را در نظر گرفتند (گرچی و مدنی، ۱۳۸۳، ۳۲).

۳- مکتب تحقیقی: بنیانگذاران این مکتب لمبروزو، هانری کافره، گاروفالو هستند. در برخی موارد این مدرسه ضمن استفاده از حبس، خواستار جایگزینی بود. مکتب رئالیستی به هیچ وجه توقیف اندیشه را نمی پذیرد، آن را غیراصولی و مضر می داند. به گفته لامبروزو، «زندان» یکی از مهم ترین عوامل ایجاد جرم است. فری نیز حکم زندان را غیر اصولی، غیرانسانی و احمقانه می داند. باید گفت که اولین جلوه های جایگزین حبس را باید در اندیشه ها و دیدگاه های این مکتب در قرن نوزدهم جستجو کرد. اقدامات و آثار مکتب رئالیسم مرحله مهمی در حقوق کیفری است که این اقدامات در تحول علم مدیریت زندان نیز تأثیرگذار بوده است و در واقع مکتب رئالیسم به ما می آموزد که ظلم را نباید بر اساس قوانین انجام داد. باید بر اساس ماهیت جرم ارتكابی و وضعیت خطرناکی که نشان می دهد، تنظیم شود، یعنی هدف عدالت کیفری، مجرم باشد، یعنی خطرناک بودن افراد در رأس امور قرار گیرد. ملاک تعیین اقدامات قابل انجام در دوره قبل از وقوع جرم است (نعیمی، ۱۳۸۲، ۸۸).

۴- مکتب دفاعی: انتقاداتی به حکم زندان وارد است که می توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد: اولاً، اولین دلیل ناشی از موضع انتقادی این جریان نسبت به واقعیت و جذابیت آن به علوم انسانی، متفاوت بودن آن در عمل با آنچه زندان است. ادعاهای حکم آنها را قادر به بودن و رسیدن به خلقت نمی کند. حکم زندان که باید ابزار اصلی پاسخگویی به جرم می بود، از ابتدا تبدیل به مکتب تکرار شد. ثانیاً: مجازات حبس باید محدود به سلب آزادی محکوم باشد، اما کارشناسانی که از حبس اطلاع دارند می گویند که مجازات حبس یک مجازات بدنی است که به سلامت جسمی و روحی محکوم آسیب می زند. ثالثاً: از آنجایی که مجازات حبس موجب قطع زندگی عادی، خانواده، شغل و دوستان زندانی می شود، این مجازات برای مجرم، خانواده، دوستان، همسر و ... قابل استفاده است. برای همه افراد از جمله اعمال می شود (آنسل، ۱۳۹۸، ۸۶).

این مکتب با بیان اینکه در مواقعی که راه و چاره دیگری وجود ندارد باید از محرومیت محکومان به عنوان آخرین راه حل استفاده شود، سعی در جلوگیری از مجازات محرومیت دارد و توصیه می کند به نهادهایی مانند آزادی مشروط و تعلیق مراجعه شود. یا کلاً کنارش بگذار، به جای زندان نامیده می شود.

۲- نظریات جرم‌شناختی

یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی فردی شدن مجازات هاست؛ این امر می تواند در انتخاب و اجرای مناسب برنامه های زندان جایگزین و ارتباط آنها با شخصیت محکوم و اهمیت و خطرناک بودن جرم نقش داشته باشد. به عبارت دیگر، برنامه های جایگزین زندان نماد اصل فردی شدن احکام است. بر اساس تحقیقات مکرر، بیش از نیمی از افرادی که وارد زندان می شوند، پس از خروج از زندان مجدداً مرتکب جرم شده و دو بار به مراحل قضایی باز می گردند. بنابراین از منظر جرم‌شناسی می توان گفت که زندان تنها یک پارکینگ برای افراد است و محرومیت از آزادی، حداقل برای اکثر زندانیان، در انجام رسالت خود یعنی آموزش، ارعاب و اصلاح ناتوان است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۳۶).

در این بخش در دو بند جایگاه یافته های جرم‌شناسی در رابطه با حبس و جایگزین آن و به عبارت دیگر در بند اول به ترتیب چگونگی و چرایی نظریه های جرم‌شناسی در خصوص تخفیف مجازات حبس تبیین شده است. در پاراگراف دوم جرم‌شناسی واکنشی به جرم‌شناسی کلاسیک و مسائل اجتماعی خواهیم پرداخت.

الف- جرم‌شناسی کلاسیک: جرم‌شناسی کلاسیک به بررسی علل وقوع جرم و اصلاح و درمان مجرمان می پردازد و به آن جرم‌شناسی «علمی» نیز می گویند. به عبارت دیگر جرم‌شناسی علمی علم شناخت علل وقوع جرم، معالجه مجرمین، بازپروری و پیشگیری از جرم است. به همین دلیل از جرم‌شناسی کلاسیک به عنوان جرم‌شناسی اصلاحی و مبتنی بر درمان نیز یاد می شود. این گروه از جرم‌شناسان، زندان را محیطی تحمیلی و یکی از عوامل اجتماعی فردی جرم می دانند که در دگرگونی شخصیت مجرم نقش

بسیاری دارد. وقتی علت جرم مشخص شد (جرم شناسی خرد و کلان) جرم شناسی کاربردی وارد عمل می‌شود، یعنی به دنبال شناخت علل وقوع جرم شناسی راهکارهایی را برای اصلاح و درمان مجرم و پیشگیری و به منظور جلوگیری از تکرار جرم ارائه می‌دهد. در جرم شناسی بالینی جرم شناسی با الهام از الگوی پزشکی و تشکیل دهنده پرونده شخصیت مجرم به دنبال اصلاح و درمان مجرمین در حبس و کلینیکی کردن حبس برای درمان مجرمین و فردی کردن اجرای مجازات می‌باشد با ظهور جرم شناسی بالینی برنامه‌های اصلاح و درمان از سال ۱۹۵۰ به بعد مطرح شد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰، ۱۸۹).

اگرچه برنامه‌های اصلاحی و درمانی از دیرباز مورد توجه دانشمندان و نهادهای بین‌المللی و داخلی کشورهایی از جمله ایران قرار گرفته است، اما این گونه برنامه‌ها در قوانین و زندان‌های کشورمان اجرا می‌شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰، ۹۴-۹۵).

ب- جرم شناسی واکنش اجتماعی: این گروه جرم شناس از دهه ۷۰ وارد عرصه جرم شناسی شده است. جرم شناسی واکنش اجتماعی به بررسی علت شناسی اعمال مجرمانه نمی‌پردازد، بلکه علت وقوع جرم را نتیجه واکنش‌های اجتماعی و نهادهای دخیل در کنترل جرم می‌داند. در حالی که در جرم شناسی کلاسیک نهادهای کنترل جرم (پلیس دادگستری و غیره) مثبت و مثبت ارزیابی می‌شوند و تصور می‌شود که علت وقوع جرم چیزی غیر از اینها باشد، در جرم شناسی واکنش اجتماعی در برابر این عوامل کنترل جرم منفی ارزیابی می‌شود. علت جنایت در نظر گرفته شده است. به همین دلیل جرم شناسی واکنش اجتماعی، نظام کیفری و مجازات‌ها را عامل وقوع جرم و نیز نهادهای کیفری را به عنوان عواملی که موجب تعدد و تکرار جرم می‌شوند، بررسی می‌کند. جرم شناسی واکنش اجتماعی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

جرم شناسی تعامل‌گرایانه: مبانی این نظریه را باید در کتاب آسیب‌شناسی اجتماعی اثر جامعه‌شناس آمریکایی ادوین ام لموت جستجو کرد. وی در این کتاب نظریه «انحراف ثانویه» را مطرح کرد که مفهومی جامعه‌شناختی دارد و در حوزه حقوق جزا «تکرار» نامیده می‌شود. به عقیده طرفداران این مکتب بدعت توسط گروه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود، گروه حاکم ممنوعیت‌ها و جنایاتی را در قالب قوانین، اجرای قوانین و تضمین اعدام‌های مجرمانه ایجاد می‌کند و آنها را بدعت‌گذار یا مجرم معرفی می‌کند. این مکتب مطالعات جرم‌شناسی از عمل مجرمانه و مسئول آن به مجموعه‌ای از پدیده‌هایی که به عنوان یک واکنش اجتماعی پذیرفته می‌شوند، پیش می‌رود. از نظر این مکتب، دیگر تفکیک‌کنش مجرمانه از ارتجاع اجتماعی فایده‌ای ندارد، زیرا انحراف از ارتجاع اجتماعی ناشی می‌شود و ایجاد می‌شود (صادقی و پروین، ۱۳۸۹، ۲۱۶).

جرم شناسی سازمانی: جرم شناسی سازمانی یک مطالعه تطبیقی و کمی است. اصلاح و برخورد با مجرمین، پیشگیری از تکرار جرم، کاهش تراکم پرونده و جمعیت کیفری در زندان‌ها و ... آیا سرمایه‌گذاری‌های مالی و فکری در نهادهای کنترل جرم در پیشگیری و کنترل جرم به طور کلی موثر است؟ میزان رضایت

مردم از چنین نهادهایی که با جرم و جنایت مبارزه می کنند چقدر است؟ بر اساس ارزیابی و مقایسه، حکم حبس را لغو کنیم یا به جای آن حکم حبس را پیشنهاد کنیم؟ از آنجایی که یکی از نتایج جرم‌شناسی در آمریکا رویکرد خصوصی‌سازی زندان‌ها و زندان‌های خانگی و حذف زندان‌های کوتاه‌مدت است، نتایج به‌دست‌آمده با بودجه اختصاص‌یافته همبستگی ندارد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰، ۵۰۲).

جرم‌شناسی انتقادی: جرم‌شناسی انتقادی واژه‌ای نسبتاً جدید در ادبیات جرم‌شناسی است. مهم این است که جرم‌شناسی انتقادی، جرم‌شناسی رادیکال و تفکر انتقادی در جرم‌شناسی گرایش‌های مارکسیستی نیستند، جرم‌شناسی انتقادی لزوماً مارکسیستی نیست. یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی نظریه‌الغای برده‌داری است، یکی از نظریه‌های برآمده از ایدئولوژی مارکسیسم، یعنی معنای مفهوم مارکسیستی نظریه این است که «قدرت در حال افتادن به دست تعداد افراد کمتر، یعنی طبقه سرمایه‌دار است».

۳- حق بر مجازات نشدن^۱

حق بر مجازات نشدن، به این معناست که توسل به حقوق کیفری باید به عنوان آخرین وسیله مورد استفاده قرار گیرد. در توسل به حقوق کیفری نیز توسل به مجازات بایستی به عنوان آخرین وسیله مورد استفاده قرار بگیرد (علیزاده و جاهد، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۲۱).

در خصوص حق بر مجازات نشدن و حق بر مجازات شدن^۲، نویسندگان نظرات مختلفی ارائه نموده‌اند. هربرت موریس^۳ با چهار پیش‌فرض مدافع حق بر مجازات شدن است. او می‌گوید: «اول اینکه ما حق بر مجازات شدن داریم؛ دوم اینکه چنین حقی ناشی از یک حق اساسی دیگر یعنی حق بر مورد رفتار قرار گرفتن به عنوان یک شخص است؛ سوم اینکه این حق، یک حق غیرقابل انکار است و چهارم اینکه انکار چنین حقی مستلزم نفی تمام حقوق و تکالیف اخلاقی است» (Morris, 2012: 475).

در مقابل، جان دای^۴ از حق بر مجازات نشدن حمایت می‌کند. جان دای تأکید می‌کند که حق بر مجازات شدن هیچ‌گونه سودی نداشته و موجب سردرگمی و ابهام است و چون افراد دارای کرامت انسانی هستند، لذا از حق بر مجازات نشدن برخوردارند (Deigh, 2010: 192).

همچنین در دیدگاه داگلاس هوساک^۵، مجازات برای آنکه بتواند قابل توجیه باشد، باید به میزان و متناسب مورد استفاده قرار گیرد؛ یعنی اصل بر آن است که حق بر مجازات نشدن، حقی مستقر و مستمر است و تنها در شرایط خاص و با رعایت الزامات و موازین مشخص قابل نقض می‌باشد (Husk, 2008: 92).

1- Right not to be Punished

2- Right to be Punished

3- Herbert Morris

4- John Dai

5- Douglas Hosack

به نظر دکتر حسین غلامی، حق بر مجازات نشدن به معنای منع و نفی مجازات نیست، بلکه ناظر به ضرورت توسل به مجازات متناسب و عادلانه است (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

برابر تعاریف بیان شده، در خصوص مجازات حبس نیز برابر این حق بایستی گفت، در استفاده از کیفر حبس، بایستی این کیفر آخرین راهکار قانونگذار در جهت تنبیه مجرم است. به عبارتی تمام فرایندها و انواع پاسخ‌های غیرکیفری مقدم بر توسل به فرایندها و پاسخ‌های کیفری از جمله حبس می‌باشند؛ دومین نتیجه ضرورت توسل به انواع پاسخ‌های غیرکیفری از جمله پاسخ‌های بازپرورانه و ترمیمی، آزادی مشروط می‌باشد؛ سومین نتیجه اینکه در صورت نیاز به کیفر، بایستی تناسب و اصل حداقل بودن مجازات رعایت گردد؛ چهارمین نتیجه همانا تکلیف به مجازات نکردن است.

در خصوص استفاده از سیاست حبس زدایی با استدلال‌ات از قبیل حق بر مجازات نشدن، فلسفه مجازات و مبانی جرم شناختی مجازات و غیر اشاره نمود که در این خصوص می‌توان به دادنامه‌های شماره ذیل اشاره نمود:

۱) دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۶۹۱۳۵۰۱ به تاریخ صدور بیست و نهم آبان ماه یه ۱۴۰۰ صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب ماهشهر

۲) دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۶۶۵۷۰۰۱ به تاریخ صدور بیست و سوم آبان ماه یک هزار و چهارصد صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب ماهشهر

۳) دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۷۰۲۲۴۵۷ به تاریخ صدور سی‌ام آبان ماه یک هزار و چهارصد صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب ماهشهر

۴) دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۶۱۱۸۶۰۰۸۱۹ به تاریخ صدور بیست و یکم مهر ماه سال یک هزار و ۳۹۹ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان خوزستان

۵) دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۷۳۲۷۷۸۱ به تاریخ صدور دهم آذرماه یک ۱۴۰۰ صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب ماهشهر

۶) دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۷۳۱۹۲۵۴ به تاریخ صدور دهم آذر ماه یک هزار و چهارصد صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب ماهشهر

۷) دادنامه شماره ۹۹۰۰۹۹۷۶۱۱۲۹۰۱۰۰۲ به تاریخ صدور چهاردهم مهرماه ۱۳۹۹ صادره از شعبه یکصد و ششم کیفری دو اهواز در خصوص بزه تصرف عدوانی و اعمال مجازات جزای نقدی در اجرای قانون وصول بخشی از درآمدهای دولت و نحوه مصرف آن در موارد خاص

۸) دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۵۹۲۷۶۰۶ تاریخ صدور بیست و هفتم آبان ماه هیج ۱۴۰۰ در اجرای ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره اصلاحیه آن در سال ۹۹ مجازات ۶ ماه حبس را بعد از درخواست قاضی اجرای احکام تعیین نموده است و اقدام به تعیین حداقل مجازات نمونه است.

۴-الغاگرایی

امروزه تورم جمعیت کیفری زندان، یکی از چالش‌های اساسی در نظام عدالت کیفری است. عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در کنترل از با توسل به رویکردهای یک جانبه و سرکوبگرانه، اندیشمندان حقوق کیفری را به فکر اتخاذ سیاست‌های الغاگرایی کیفری^۱ و یا در شکل تعدیل شده آن، محدودسازی مداخله آن در فرایند کیفری انداخته است. تمرکز الغاگرایی بر قلمرو و محدوده دخالت حقوق کیفری است.

الغاگرایی به عنوان یک جنبش مخالف زندان از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ و زمانی ظهور کرد که فشاری ساختارشکن بر اندیشه‌های مربوط به کنترل اجتماعی انحراف و جرم در سایر قلمروها وارد می‌شد. در واقع، تعقیب دعوی کنشگران عدالت کیفری می‌توانند با رویکردی منفعتمدار به ارزیابی همه جانبه کیفری بپردازند تا در صورت مصلحت، پیگرد برخی از بزهکاران را متوقف سازند. روآوری به راهبرد الغای کیفری از دلایل متعددی سرچشمه می‌گیرد که پاسخ سریع به شماری از گونه‌های بزهکاری جرائم سبک، از برجسب مجرمانه خوردن افراد و کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری پیشگیری از جمله آنها به شمار می‌روند (هادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹).

الغاگرایان با عقیده رایج درباره ظرفیت و توانایی حقوق کیفری برای کنترل حبس مخالفند. آن‌ها منکر سودمندی مجازات حبس هستند و ادعا می‌کنند که هیچ توجیه معتبری برای حبس وجود ندارد، به خصوص وقتی گزینه‌های دیگر برای مجازات در دسترس باشد. مطابق نظر الغاگرایان، راه حل کیفر به طور کلی کیفیت اخلاق، حیات و زندگی در جامعه تأثیر می‌گذارد.

بنابراین رویکرد عدالت کیفری باید با هدف و مبنایی دیگر جایگزین شود که مبتنی بر پرهیز از هرگونه اعمال صدمه و رنج و درد باشد و به نوعی عدالت اخلاقی را گسترش دهد که به جای تأثیر منفی کیفر حبس تمرکز بیشتری بر روی آثار مثبت بر بار عدالت اخلاقی داشته باشد (جوان جعفری و نورپور، ۱۳۹۴: ۷۶).

عدالت کیفری در پایه‌ای‌ترین مفهوم خود در پی پشتیبانی از آن، چهره‌ای طبیعی و حیوانی دارد. رویکرد مشترک انسان و حیوان به جان و مال و شکل‌گیری گزاره‌های بنیادین اخلاقی درباره این دو، بسیار پیشتر از دین و دولت بوده است. عدالت کیفری نیز هرچند سازوکار شایسته برای پشتیبانی از ارزش جان و ارزش دارایی نداشت، ولی مفهوم و مبنایش را برای این ارزش گذاری یافته بود. در حقوق کیفری ایران،

¹- Criminal Abolitionism

از یک دهه اخیر الغاگرایی تا حدی در سیاستهای کلان قضاییه، مورد توجه قرار گرفته است. قانونگذار برای جایگزینی ضمانت اجرا بدون جرم مؤثر و جاری و همچنین برقراری عناصر اخلاقی به جای مجازات، قوه قضائیه را مکلف کرده است تا با اصلاحات مختلف، مجازات های جایگزین مانند حبس را اتخاذ کند. از قبیل نهادهایی مانند آزادی مشروط، حبس خانگی و..... اقدام نماید.

۵-عوام گرایی

عوام گرایی^۱ در ادبیات علوم سیاسی به مفهوم جریانی سیاسی است که در آن، باورها و اعتقادهای مردم در تدوین تصمیم های سیاسی نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند. جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده های کلی و مبهم و معمولاً تحت کنترل رهبری فرهمند، پیشبرد هدف های سیاسی مستقل از احزاب و فراهوانی مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت، از جمله ویژگی های این جریان است. عوام گرایی بیانگر دغدغه گروه هایی از جامعه است که معتقدند در سیاستگذاری های دولتی نادیده انگاشته شده اند و به دیدگاه های کارشناسانی که به این دغدغه ها بی اعتنایند، بدبین هستند. با توجه به این که پیش زمینه، عوام گرایی کیفری به شیوه ای سخن می گوید که در آن تصور می شود، مجرمان و زندانیان به دلیل جنایت بر بزه دیگرانشان به طور خاص و جنایت بر مردم تابع قانون به طور عام؛ مورد لطف قرار می گیرند. این موضوع با ابراز خشم، بی انگیزگی و سر خوردگی نسبت به نهادهای عدالت کیفری ابراز می شود. عدالت کیفری مسئولیت چیزی را بر عهده می گیرد که معکوس شدن پنهانی اولویت های عرفی به نظر می رسد: حمایت از سعادت و امنیت، مردم عادی تابع قانون و مجازات مجرمانی که در آن در معرض خطر قرار می دهند. عوام گرایی کیفری نیز مانند خود عوام گرایی، معمولاً به جای اینکه شاخصی با قابلیت اندازه گیری باشد، به شکل احساس و شهود برای مردم در می آید (حاجری و همکاران، ۱۳۹۴، ۹۴).

به عنوان مثال، گفتگوی روزمره شهروندان حول محور ابراز دغدغه های و دل نگرانی های آن ها درباره خشم و جرم افسار گسیخته می چرخد و این نگرانی ها پیوسته و مدام در رسانه ها بیان می شوند نه صرفاً از خبرگزاری های ملی یا خصوصی که گوی بسیاری از آن ها برای ایجاد بی اعتمادی تلاش زیادی می کنند، بلکه به ویژه از خبرگزاری های محبوب مردم پخش می شوند. به این ترتیب در بریتانیا، روزنامه های عامه پسندی مانند سان، دیلی میرور و نیوز آو دورلد در جهت به جریان انداختن ابتکارات جدید کنترل جرم، توسط دولت کارگر جدید مورد استفاده قرار گرفتند.

مبانی حقوق بشری حاکم بر حبس زدایی

مهم ترین مبانی حقوق بشری مؤثر بر تصویب قانون کاهش حبس عبارتند از:

۱-تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها

¹ - Populism

اصل این است که مجازات فقط برای مجرم باید اعمال شود. اگرچه حکم حبس در ظاهر در مورد خود زندانی اعمال می شود، اما باید گفت که حبس مجرم به طور غیرمستقیم آثار زیانباری از نظر مادی، معنوی، فکری و معنوی برای خانواده زندانی ایجاد می کند و در نتیجه اصل نقض می شود. فردیت نقض می شود و این عمل مجازات را بی شخصیت می کند. به عنوان نمونه ای از این مشکلات؛ احساس اضطراب و ناامنی در سایر اعضای خانواده، کمبود درآمد، ترک تحصیل فرزندان، ناامیدی در جامعه و دوستان و حتی طرد شدن توسط خانواده، دوستان و آشنایان. و در برخی موارد حبس. از آن به عنوان "داروی فیزیکی برای درد" تعبیر شده است. تأثیر قابل توجه حبس بر فرد در بافت خانواده است. وقتی فردی به هر جرمی به حبس محکوم می شود، افراد دارای همسر و فرزند به دلیل دوری از خانواده و بی سرپرستی در زندان دچار مشکلات روحی و روانی می شوند و همچنین ممکن است خانواده آنها از بی سرپرستی در زندان منحرف شوند. جامعه رو به انحطاط می گذارد، مشاهده می شود که این اثر مخرب زندان زمانی احساس می شود که زندانی متاهل و به خصوص زندانی متاهل دارای فرزند باشد. زیرا تأثیر مخرب حبس بر زندانی بیشتر از سایر اعضای خانواده است. حتی در حوزه اقتصادی نیز بیشترین فشار و سختی به خانواده زندانی وارد می شود. وقتی فردی که سرپرست خانواده است وارد زندان می شود، وضعیت اقتصادی خانواده به کلی خراب می شود و وارد شرایط بحرانی می شود، طبیعی است که درآمدی که شوهر و سرپرست خانواده می توانند کسب کنند از بین می رود. این وضعیت بر دوش زن خانواده است، اگر فردی شاغل باشد و بتواند به نحوی برای خود و فرزندانش امرار معاش کند، اوضاع فرق می کند، اما اینطور نیست، در جایی که شرایط وجود ندارد، شرایط، شرایط متفاوت است. تغییر می کند. در شرایط بحرانی اولاً پس انداز موجود هزینه می شود و در نهایت از اعضای خانواده کمک مالی انتظار می رود (معروفی، ۱۳۸۹، ۴۶۹).

حتی در شرایطی که زن مشغول کار است، بعد از زندانی شدن شوهر، نگاه ها به زن تغییر می کند، موقعیت قبلی زن متزلزل می شود، نگاه با نوعی تحقیر همراه است. درست است که زندانی شدن سرپرست خانواده در زمینه تربیت کودک بر تمامی ابعاد زندگی افراد آن خانوار تأثیر می گذارد و یکی از مهمترین این ابعاد، بعد تحصیلی فرزندان است. ذهن فرد بازداشت شده بسیار حساس است و وضعیت روحی او باید برای ادامه تحصیل مناسب باشد. دانش آموزان خانواده در خانواده فردی که می شناسم، دختر بالای کلاس و بالای کلاس به دلیل فروش به زور قبول شد، البته با تمديد. با اینکه در اقلیت هستند، می دانیم که این بچه ها آینده سازان این کشور هستند، اما آیا نباید به فکر آنها هم باشیم؟ خانواده کانونی است که هر فردی در آن نقش دارد و از این حیث نقش والدین سقف و ستون این کانون است و شایسته است که نقش هر یک از اعضای خانواده تضعیف شود، ساختار خانواده خراب شود و آسیب ببیند. یکی از ویژگی های متمایز هر خانواده، بار عاطفی خانواده است. بار عاطفی به معنای حمایتی است که والدین از فرزندان خود می کنند و در صورت تضعیف می تواند به از بین رفتن امنیت روانی کودکان منجر شود. طبیعی است که نبود والدین در خانواده به بافت عاطفی اعضای خانواده آسیب وارد می کند و منجر به دل بستگی ناایمن و علائم

جدایی فوری در کودکان و در نتیجه ایجاد تنش و در نتیجه احساس ناامنی می‌شود. خانواده با نقش خود در حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های آینده فرهنگ را زنده نگه می‌دارد. بنابراین خانواده را از برخی جهات می‌توان نماینده جامعه دانست و عدم تحقق کامل کارکردهای خانواده نشان از دستیابی جامعه به اهداف خود ندارد. زیرا هر جامعه‌ای در تلاش است تا آینده را بالا ببرد. و نسل‌های متفکری وجود خواهند داشت و هسته اصلی آن رشد در خانواده پر رونق نهفته است (معروفی، ۱۳۸۹، ۴۷۰).

از سوی دیگر، مجرم پس از ورود به زندان از نظر یادگیری اجتماعی و فرآیند تقلید، رفتارهای موجود در زندان را به صورت خرده فرهنگ می‌آموزد و اگر تصور شود که کودکان این رفتارها را از والدین خود می‌آموزند، فرآیند انتقال انحرافات به دیگران ادامه دارد. رفتارهایی از نظر حضور پدر در زندان دیده می‌شود. همانگونه که ذکر گردید فرد مجرم پس از خروج از حبس با برچسب‌هایی که از سوی جامعه به وی اطلاق می‌گردد روبرو می‌باشد، این برچسبها فقط به خود فرد مجرم زده نمی‌شود بلکه اعضاء خانواده و ساختار خانواده نیز با این مسئله روبرو می‌گردند و این امر، به منزله عاملی است که در روند ارتباطات اجتماعی و گرایش خانواده به سوی جامعه بهنجار اختلال ایجاد می‌نماید می‌توان این امر را مشاهده نمود که پس از مدتی خانواده مجرمین منزوی گردیده و تعاملات معنی دار خود را با جامعه از دست خواهد داد. از جمله مسائلی که در فرایند تربیتی حاصل می‌شود جامعه‌پذیری فرزندان در خانواده است. نکته اساسی و قابل ذکر در بررسی فرایند جامعه‌پذیری فرزندان مبنی بر این است که روند مزبور از طریق ارزشهایی که بر طبق اجتماعی با معاشران خانواده حاکم است صورت می‌گیرد و به طوری که مشاهده شده است، حضور و رفتار پدر در نظام خانوادگی الگوئی است برای چگونگی جامعه‌پذیری فرزندان و اما در خانواده‌هایی که پدر حضور ندارند، کودکان ارزش‌های اجتماعی را به درستی نمی‌پذیرند، با همسالان عادی خود سازگار می‌شوند، نحوه ارتباط کودکان با اعضای خانواده محترمانه نیست (باقری و عطاران، ۱۳۸۹، ۱۰۱).

۲- تراکم جمعیت حبس و کمبود فضای مناسب

به نظر می‌رسد دلیل افزایش جمعیت کیفری این باشد: اول، زندان محور بودن قانون جزا. به عبارت دیگر برای اکثر جرایم در قوانین جزایی مجازات حبس تعیین شده بود، مثلاً کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مبحث مجازات مشمول قانون نحوه اجرای احکام مالی مصوب ۱۳۷۷ بود، قابل ذکر است. دوم: استفاده گسترده قضات از مجازات حبس: خود این حکم ممکن است عاملی باشد که منجر به افزایش جمعیت کیفری حبس شود. بند فوق از یک سو برای آموزش است، از سوی دیگر دقت داوران در راستای استفاده از داده‌های علمی است.

۳- مشکلات بهداشتی موجود در زندان

رعایت بهداشت در زندان در اولویت قرار دارد زیرا خود حبس برای سلامت جسمی و روانی زندانیان مضر است. همانطور که در اسناد بین المللی مشهود است، مجازاتی که برای مجرم اعمال می شود باید فقط سلب آزادی باشد. حبس نباید شامل خطر جسمی یا آزار روانی توسط کارکنان یا سایر زندانیان باشد. علاوه بر این، حبس نباید متضمن خطر بیماری جدی یا حتی مرگ به دلیل شرایط مالی یا عدم مراقبت های روانی و بهداشتی کافی باشد. سهل انگاری در مدیریت شرایط زندان و ارائه مراقبت های بهداشتی به زندانیان به این معنی است که مشکلات بهداشتی-اجتماعی در نتیجه تماس بین زندان و جامعه گسترده تر از طریق کارکنان، ملاقات کنندگان و زندانیان آزاد شده به وجود می آید. ماده ۳ و تبصره ۷ آیین نامه سازمان زندان ها و اقدامات آموزشی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ هدف از نگهداری محکومان و متهمان در زندان را حرفه آموزی، بازپروری و ادغام مجدد تعریف کرده است. (صفاری، ۱۳۹۰، ۷۶-۷۸).

با توجه به کثرت زندانیان در زندان ها و شرایط ضعیف روحی و جسمی آنها، اتخاذ این رویکرد بالینی نیازمند حمایت ویژه از مشکلات روحی و جسمی آنان است تا بتوانند اقدامات درمانی را انجام دهند و کمتر رنج ببرند. علاوه بر درد زندان و بیماری. در واقع دولت باید از زندانی که به دلیل محرومیت از آزادی و افکار ناخوشایند در مورد خود قادر به مراقبت از خود نیست و نمی تواند یا نمی خواهد سلامت خود را به درستی ارزیابی کند، حمایت های بهداشتی و پزشکی لازم را دریافت کند. دولت ها هرگز نباید از خدمت به زندانیان جنایتکار و قانون شکن به این دلیل که نمی توانند خدمات بهداشتی مناسبی را برای افراد عادی جامعه ارائه دهند، خودداری کنند. زندان شرایطی را تحمیل می کند که حتی در کوتاه مدت از نظر امکانات و عرصه آثار مخربی بر سلامت روحی و جسمی محکومان خواهد داشت.

بدون شک توزیع و استعمال مواد مخدر در زندان ها امری رایج است و اگرچه مجازات حبس برای بازداشت افراد مناسب نیست، اما این روال قانونی و عملی است. با توجه به واقعیت کنونی و غیرقابل انکار آثار مخرب حبس بر سلامت محکومان به ویژه خردسالان، حقوق سلامت روانی و جسمی، رعایت حداقل استانداردهای بهداشت فردی، حق زندگی در محیط نسبتاً سالم همچنین حقوق ارائه آموزش پزشکی به منظور گذران زندگی، یکی از مهم ترین موضوعاتی است که باید به آن پرداخت. از سوی دیگر، شرایط خاص پرسنل بهداشتی زندان، روابط آنها با زندانیان و بیماران مبتلا به بیماری های واگیر و واگیر مانند ایدز و هپاتیت، اختلالات روانی و خودکشی ضرورت آموزش پزشکی در زندان را بیش از پیش آشکار خواهد کرد. قبل از آنها باید بیاموزند که دیوارهای زندان نباید به عنوان یک مانع عمل کنند، بلکه دو دنیای کاملاً متفاوت در داخل و خارج زندان ایجاد کنند، زیرا در این صورت فلسفه اصلاح و درمان و بازگشت مجرمان به جامعه برای همیشه با شکست مواجه خواهد شد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۱-۱۱۲).

چون با افزایش تراکم، خطر ابتلا به این گونه بیماری‌ها افزایش می‌یابد، دلیل دیگری را می‌توان به چرخه ورود و خروج زندانیان در محیط زندان نشان داد. بنابراین خطر ابتلا به بیماری‌های عفونی در زندان نسبت به جاهای دیگر بیشتر است.

نتیجه‌گیری

حبس یکی از انواع مجازات‌هاست که ضمن بالا بودن هزینه‌های آن از کارآمدی کمی برخوردار است. آن گونه که مطرح شد، مجازات حبس نتوانست اهداف مجازات‌ها را تامین نماید. حبس در عین اینکه دارای ویژگی‌ها و اهدافی است که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند، پیامدهایی نیز دارد که بر مجرم و جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. زندان باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری می‌شود و تا حدودی مردم را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. به گفته آنان، در شرایط فعلی، حبس دقیق‌تر و قابل‌اجراتر از سایر مجازات‌هاست. البته هنوز بسیاری بر این باورند که زندان مجرمان خطرناک را ناتوان می‌کند و حضور آنها خطر آنها را از جامعه دور می‌کند و در نهایت به دلیل نظارت مجرم در مواردی می‌توان از مجازات حبس استفاده کرد. کارکردهای مثبتی دارد حبس هزینه‌های اقتصادی دولت را افزایش می‌دهد که شامل کمبود امکانات و اتلاف نیروی انسانی می‌شود. شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های جنایی و یادگیری رفتار مجرمانه زندانیان با حضور در این خرده فرهنگ‌ها، همکاری بانندی پس از آزادی و حرفه‌ای شدن مجرمان عادی از دیگر پیامدهای منفی زندان است که بر ارتکاب مجدد جرایم تأثیر می‌گذارد. برچسب زدن انحرافی به زندانی پس از آزادی، آسیب روحی، جسمی، اقتصادی و خانوادگی به مجرم، تکرار جرم و رفع جنبه ارباب‌زندان، بی‌اعتمادی مجرم به قانون و دستگاه قضایی همین مسئله سیاست جنایی ایران را بران داشت تا در کنار کیفرزدایی به موضوع حبس زدایی بپردازد و همین امر موجب گردید قانونگذار در آخرین سیاست تقنینی خود اقدام به تصویب قانون کاهش حبس تعزیری نماید.

بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ۱- پیشنهاد می‌گردد با توجه به آسیبهایی بسیاری که کیفر حبس در پی دارد، با بازنگری و اصلاح در قوانین سعی در تقلیل استفاده از کیفر حبس داشت.
- ۲- یکی از شروط اساسی و مهمی که در اجرای قانون تخفیف مجازات‌های حبس باید در نظر گرفته شود، ایجاد ساختارهای لازم است تا دادگاه با اطمینان کامل از مفید بودن و اثربخشی آن‌ها را اعمال کند. مهمترین مکانیسم‌ها عبارتند از:

الف) آموزش قضات و مشارکت در نظام قضایی

ب) اطلاع افراد از محیط اجتماعی مناسب و مکان و کارکرد جابجایی شرط لازم پذیرش آنان است.

- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: سلسبیل.
- آنسل، مارک (۱۳۹۸)، دفاع اجتماعی، چاپ دهم ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: دانشگاه تهران.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، جایگزین‌های زندان‌های کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، دوره اول، شماره ۱۱: ۲۷۹-۳۰۹.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
- بکاریا، سزار (۱۳۹۹)، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: شهید بهشتی.
- بولک، برنارد (۱۳۹۹)، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: مجد.
- بهنامی، سهیلا (۱۳۹۱)، بررسی مجازات‌های جایگزین حبس، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
- پرادل، ژان (۱۳۹۶)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، تهران: سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران: شهردانش.
- صادقی، سهیلا و پروین، ستار (۱۳۸۹)، جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق، دوره ۱۳، شماره ۳۳: ۲۲۰-۲۴۲.
- صانعی پرویز (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
- صفاری، علی (۱۳۹۰)، کیفرشناسی، تهران: جنگل.
- عمید، حسن، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.
- کفاشی، مجید و اسلامی، عنایت (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۵۷-۶۹.
- گرچی، ابراهیم و مدنی، شیما (۱۳۸۳)، بررسی و ارزیابی سیر تحول مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک و سپس به کلاسیک جدید، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۱، شماره ۷۰: ۳۱-۶۷.
- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۱)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.

گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۲)، مطالعه و عملیات سازی جایگزین‌های مجازات حبس با هدف زندان زدایی، مجله اصلاح و تربیت، سال ۱، شماره ۴۳: ۳۲-۳۵.

مداح، مجید و خیرخواه، ابراهیم (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم، فصلنامه مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱۲: ۱۰۷-۱۳۰.

معروفی، یحیی (۱۳۸۹)، پیامدهای زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان، فصلنامه خانواده پژوهش، سال ۶، شماره ۲۴: ۴۶۹-۴۸۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، درباره سیاست جنایی افتراقی، تهران: میزان.

Deigh, Jon.(2010).On the Right to be Punished: Some Doubts.” Ethics 94(2).

Husak, Douglas.(2008). Overcriminalization, the Limits of Criminal Law. New Jersey: Rutgers University Press.

Morris, Herbert(2012), A Paternalistic Theory of Punishment, In A Reader on Punishment, Antony Duff and David Garland(Eds), Oxford, Oxford University Press.